

گفت‌وگوی منتشر نشده IR.KHAMENEI با آیت‌الله تسخیری پس از ۸ سال منتشر شد



به گزارش حوزه فرهنگ و هنر [خبرگزاری تقریب](#)، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی تسخیری یکی از زبده‌ترین و فعال‌ترین علمای شیعه در عرصه وحدت امت اسلامی بود که در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۹۹ دار فانی را وداع گفت.

در بخشی از پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی آمده است: «کارنامه‌ای این سرو نستوه و خستگی‌ناپذیر در انواع خدمات برجسته در مجامع جهانی اسلامی حقا درخشان است. عزم راسخ و دل پرانگیزه‌ایشان حتی بر ناتوانی‌های جسمانی در چند سال اخیر فائق می‌آمد و حضور مؤثر و برکت وی را در هر نقطه‌ای لازم و مفید استمرار می‌بخشید.

مسئولیتها و خدمات ایشان در داخل کشور نیز فصل جداگانه و ارزشمندی از تلاشهای این روحانی فاضل و متعهد است.»

بخش فقه و معارف این پایگاه اطلاع‌رسانی به مناسبت چهلمین روز درگذشت این عالم گرامی، متن گفتگویی که در سال ۹۱ با حجت‌الاسلام والمسلمین تسخیری درباره‌ی فعالیت‌های ایشان در جهان اسلام انجام شده است را منتشر میکند.

ابتدا مقداری از آشنایی خودتان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توضیح بفرماید.

بنده قبل از انقلاب، آشنایی کاملی با حضرت آقا نداشتم؛ چون ما در نجف بودیم و بیشتر با اوضاع و شخصیت‌ها و مراجع نجف آشنا بودیم. بعد از زندان رفتن در زمان صدام که زندان سختی هم بود؛ ما را تبعید کردند. با اینکه پدر و مادرمان ایرانی بودند اما غالباً ما با طلاب عرب محشور بودیم. پدرمان آیت‌الله شیخ علی‌اکبر تنکابنی، روحانی فاضلی بود که به نجف آمد و در محضر علمای بزرگی همچون آیت‌الله العظمی عراقی، آیت‌الله العظمی نائینی و بعد هم آیت‌الله العظمی خویی تلمّذ کرد و همانجا هم با علویه‌ای از خاندان اصفهانی‌های قدیم که از خانواده‌ی امام جمعه‌ی اصفهان بودند، ازدواج کرد. والده بیشتر به زبان عربی صحبت می‌کردند و

ابوی هم آشنایی چندانی با زبان عربی نداشت. بنابراین ما از یک طرف مقداری فارسی را از پدر و مقدار زیادی عربی را از مادر و از محیط اطرافمان یاد گرفتیم. درس‌ها هم بیشتر در محیط طلبه‌های عرب بود. اساتید نیز بیشتر به زبان عربی درس می‌دادند؛ مرحوم آیت‌الله العظمی خویی به زبان عربی درس می‌دادند، مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی حکیم صاحب اصول فقه مقارن، به زبان عربی درس می‌دادند.

پایه و اساس حضور شما در ایران و همکاری با دفتر رهبری به چه صورت بود؟

با توجه به آشنایی من با زبان عربی و محیط عربی آنجا، وارد تشکیلات حزبی مرحوم استاد و شهید بزرگوار سید محمد باقر صدر شدم. اساس این تشکیلات مبارزه با صدام و رژیم حزب بعث بود. بعد از فعالیت‌های متمادی در این حزب، به زندان سختی که به آن قصر‌النهاییه می‌گویند افتادیم. به لطف الهی و با نفوذی که حضرت امام داشتند و ترس بعثی‌ها از امام (رحمت‌الله علیه) ما نجات پیدا کردیم و به ایران تبعید شدیم. حدود شش-هفت سال قبل از انقلاب، مشغول فعالیت‌های گوناگون فرهنگی و گاهی سیاسی شدم که با اوج‌گیری انقلاب، ما هم در آن مسیر که به یاری خدا به پیروزی رسید، افتادیم. قبل از آن من با حضرت آقا آشنا نبودم مگر همان

آشنایی عمومی ولی بعد از انقلاب، واضح است که عشقمان به امام و شاگردان امام بود. یکی از شاگردان مبرز امام، آیت‌الله خامنه‌ای بود که واقعاً به شخص ایشان و سخنرانی‌های ایشان عشق

می‌ورزیدیم. در همان سال اول که ایشان به مقام رهبری انتخاب شدند یک روز از ما خواستند که خدمتشان برسیم. ایشان از روز اول با یک دید بین‌المللی وسیعی وارد صحنه شدند و به من فرمودند که من ملاقات‌های ریاست جمهوری‌ها و شخصیت‌های مهم را از الان پیش‌بینی می‌کنم و شما را بعنوان معاونت روابط بین‌الملل معرفی می‌کنم.

منظور همان معاون بین‌الملل دفتر است؟

نه دفتری در کار نبود تا در خدمت حضرت آقا باشیم. بعداً دفتر و مسئولیت معاونت بین‌الملل دفتر به بنده واگذار گردید. از بنده خواستند که یک طرح جامعی را تهیه کنم. بنده هم با آن عشقی که به حضرت آقا داشتم و با آن آشنایی که با دیدگاه‌های جهانی‌شان داشتم، طرحی به اصطلاح بلندپروازانه تهیه کردم. محور این طرح، تعمیم ولایت در کل جهان اسلام بود.

طرح جدید شما چه بود؟

اشراف حضرت آقا بر کل حرکت فرهنگی خارج از جمهوری اسلامی. در

نظر داشتیم ایشان کل حرکت فرهنگی دنیا را هدایت کنند و در کنار وظایف دیگری که دارند، برای هر مجموعه‌ای مسیری ارائه بدهند. ما در خارج از کشور چند مؤلفه داریم؛ مثلاً در حال حاضر اگر جمعیت شیعیان، زیدی‌ها، علوی‌ها و همچنین غیر اثنی‌عشری‌ها را در نظر بگیریم، جمعیتی نزدیک به دویست میلیون نفر در دنیا می‌شوند. خبر این دویست میلیون نفر نزدیک‌ترین پایگاه به جمهوری اسلامی هستند. اینها مدافع انقلاب هستند. دلشان با ماست. سختی بسیار دیده‌اند. دشمنان فشار زیادی را به آنها وارد کرده‌اند. ما هم که مشغول جنگ و دیگر مسائل خودمان بودیم و نرسیدیم که به مشکلات و مسائل آنها بپردازیم؛ باید برای شیعیان جهان یک فکری می‌کردیم. به حضرت آقا پیشنهاد کردم تا یک مجمعی به نام مجمع جهانی اهل بیت تشکیل بشود. ایشان بسیار از این طرح استقبال کردند و ایده را پذیرفتند.

اول کار عده‌ای از متفکران و برنامه‌ریزان کشور نشستند و یک اساسنامه‌ای برای این مجمع تنظیم کردند. البته بعدها تغییراتی کرد. بعداً رفتیم به سوی برگزاری اجلاس بزرگ تهران. اولین اجلاس در تاریخ شیعه بود که با حضور بزرگان شیعه از بیش از پنجاه کشور دنیا تشکیل می‌شد. البته این اجلاس بعداً رسید به صد و اندی کشور. شخصیت‌ها را شناسایی و به تهران دعوت کردیم و

موضوعاتی مطرح شد. مجموعه‌ای که آمده بودند پیشنهاد تأسیس مجمع جهانی اهل بیت با مرکزیت جمهوری اسلامی را دادند.

فرمودید که اساسنامه‌ی مجمع را یک جمعی نوشتند، این اشخاص چه کسانی بودند؟

بنده بودم، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای شفیعی‌نیا و افراد دیگر که حالا یادم نیست. این مجمع به دستور رهبرانقلاب تشکیل شد و جداً یک منبع خیر بود. اساسنامه هم تکمیل شد و به دنبال دبیر کل بودیم. خاطره‌ای عرض کنم، زمانی که راه عراق بسته بود. شبی در عالم رؤیا دیدم که به کربلا می‌روم ولی تا به مرز رسیدم، مرز باز شد. تا به کربلا رسیدم. از درب حرم ابا عبدالحسین و درب داخلی حرم وارد شدم و یک زیارت جانانه‌ای کردم. صبح خیلی خوشحال بودم و در این فکر بودم که این خواب چه تعبیری دارد؟ ساعتی نگذشت که حضرت آقا ما را خواستند و فرمودند شما باید دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت باشید و با تمام قوا در خدمت به شیعیان جهان قرار بگیرید.

بعد از تأسیس مجمع جهانی اهل بیت، چه اقدامات دیگری برای افزایش ارتباطات امت اسلامی انجام شد؟

پیشنهاد دیگری که حضرت آقا دادند، تشکیل مجمعی برای اهل سنت

بود. که شبیه مجمع دارالتقريب قاهره بود. آن دارالتقريب در سال ۴۰ ميلادی در قاهره تشکيل شد. عده‌ای زيادی از علمای اهل سنت و نيز عده‌ای از علمای شيعه همچون مرحوم شلتوت، مرحوم حسن‌البنا رئيس اخوان، مرحوم شيخ محمد محمدمدنی در آن حضور داشتند.

آن مجمع بسيار به تقريب شيعه و سنی، کمک کرد که منجر به آن فتوای شيخ شلتوت (۱) و سپس چاپ مجمع‌البیان و چاپ کتاب حديث‌الثقلين در قاهره و ديگر امور شد. سپس در سال ۷۰ ميلادی مجله‌اش نيز منتشر شد ولی بزرگان آن به رحمت خدا رفتند. از شيعه هم مرحوم کاشف‌الغطا و مرحوم آيت‌الله العظمی بروجردی بودند. با فوت اين بزرگان، کار مجمع دارالتقريب متوقف شد. برای احیای همان مسير و در جهت هماهنگ بودن با مجمع اهل بيت، یک مجمع جهانی تقريب مذاهب در تهران تشکيل شد. البته اين دو اصلاً متناقض يکديگر نبودند. هر دو در خدمت اهل بيت و در جهت وحدت امت اسلامی بودند. اين هم یک طرح بود که تعداد یک ميليارد و پانصد ميليون اهل تسنن در آن عضو بودند. سازمان ديگری که به دستور حضرت آقا تأسيس شد، با نام سازمان مدارس و حوزه‌های علميه‌ای جهان بود که برای طلاب خارج مرزها و طلاب داخل کشور که ایرانی نبودند و نیازمند مرکز علوم اسلامی بودند تشکيل شد.

سازمان مدارس حوزه‌های علمیه‌ی جهان که بالغ بر هفتصد مدرسه بود که غالباً این مدارس دورافتاده، نیازمند به استاد و یا برنامه بودند و از لحاظ مالی بسیار در مضیقه قرار داشتند. این سازمان نیز از زیر مجموعه‌های مجمع جهانی اهل‌بیت بشمار می‌رفت.

از دیگر اقدامات مهم، تشکیل شورای عالی تبلیغات بود. این شورای عالی نتوانست در زمان حضرت‌امام هماهنگی‌های لازم را انجام بدهد فلذا برای ساماندهی هرچه بیشتر، شورایی با مدیریت حضرت آقا تشکیل شد. شاید یگانه شورایی که خود حضرت آقا مدیریت آن را برعهده داشتند، همین شورا بود. این شورا متشکل از وزرا و نماینده‌ی رئیس‌جمهور و وزرای ذی‌ربط بود و بسیار شورای بزرگ و مهمی بود.

جلسات این شورا در محضر خود حضرت آقا تشکیل می‌شد؟

بله، من بعد از آن هیچ شورایی را به آن عظمت بخاطر ندارم. بعداً برخی از مسئولین آنجا پیشنهادی خدمت حضرت آقا بردند. آقای لاریجانی که آن زمان وزیر ارشاد بود و آقای صدر که دبیر شورا بود و آقای محمدی‌عراقی که رئیس سازمان تبلیغات و بنده، پیشنهادی در جهت تأسیس یک سازمان بزرگ که ترکیب و ادغامی از

سازمان‌های بین‌المللی گوناگون همچون سازمان تبلیغات بین الملل، سازمان ارشاد بین الملل، مجمع اهل بیت و مجمع‌التقریب بود را خدمت حضرت آقا ارائه کردیم. این سازمان‌ها باید در فعالیت‌ها کاملاً ادغام می‌شدند تا با یک ستاد حرکت کنند.

البته در وهله‌ی اول نظر بر این بود تا همه فعالیت‌های بین‌المللی با این سازمان ادغام شوند. در اینجا دو مسأله بود که باید در ابتدا حل می‌شد: اولاً این کار به این عظمت و وسعت شدنی هست یا خیر؟ ثانیاً کدام شخص می‌تواند مسئولیت این کار عظیم را بپذیرد؟ به رحال بعد از حدود یک سال و نیم رهبرانقلاب دستور تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات را دادند. این سازمان برای اهداف بلند و والا همچون اعزام مبلغ مرکزی به کل جهان، هدایت همه‌ی مجله‌های جمهوری اسلامی که آن زمان بالغ بر صد و اندی مجله در خارج از کشور بود و به زبان‌های گوناگون ترجمه می‌شد، هدایت و چاپ کتاب‌های متعدد از طرف جمهوری اسلامی، مسئله‌ی گفتگو با ادیان، مسئله‌ی گفتگو با اهل سنت، مسئله‌ی شیعه، مسائل ایران‌شناسی. شش دایره ترسیم کردیم؛ دایره‌ی ایران، دایره‌ی شیعه، دایره‌ی انقلاب، دایره‌ی اسلام، دایره‌ی ادیان، دایره‌ی بشری عام.

در هر دایره‌ای خطوط استراتژیک ترسیم شد. بالغ بر چهل، پنجاه

موضوع در پرونده مطرح شد؛ ازجمله: رسیدگی به زنان خارج از کشور، کودکان، طبقات مختلف جامعه، تبلیغ ایران، تاریخ ایران، فرهنگ ایران، زبان فارسی، انقلاب، ریشه‌های انقلاب، رجال انقلاب، دستاوردهای انقلاب. البته این بخاطر دید وسیع حضرت آقا بود که بسیار مهم و ارزشمند بود. یک اساسنامه‌ی موقت برای این مهم تنظیم شد. رهبرانقلاب اسلامی لطف کردند و تشکیل این سازمان را به عهده‌ی بنده گذاشتند. خیلی برای من سخت بود باید دو عمل جراحی بزرگ انجام می‌دادم؛ یکی اینکه این سازمان‌های متعدد بین‌المللی که نام بردم را شناسایی و بررسی و تفکیک کنم که بسیار کار دشواری بود و دیگر اینکه این سازمان‌ها را در یک بدنه‌ی واحد به یکدیگر پیوند دهم. حال باید نیروها را چگونه تقسیم کرد؟ بحث تجدید تنظیم اساسنامه و بعد از تنظیم آن، تبیین جایگاه دولتی این سازمان جدید چگونه خواهد بود؟

بالاخره یک سازمان خوبی با بودجه‌ی بسیار کم تشکیل شد. زحمت‌های زیادی برای آن کشیده شد. هر بار که خدمت حضرت آقا می‌رسیدیم یک دید وسیعی را از این موضوع به ما نشان می‌دادند. ما هم برای تحقق اهدافی که ایشان برایمان ترسیم می‌کردند، اقدام می‌کردیم. هر قدر جلوتر می‌رفتیم اهداف بلندتری را به ما نشان می‌دادند. این برنامه‌ریزی و اهداف همگی برای کل فعالیت‌های تبلیغی بود

که حضرت آقا در نظر داشتند. بعد از آن هم مرکز جهانی علوم اسلامی و مرکز سازمان مدارس و حوزه‌ها به دستور ایشان ادغام شدند. البته قبل از ادغام، یک سازمان بود با دو معاون که ریاست داشت با دو معاونت مختلف که هماهنگی‌ها را انجام می‌دادند. در مرحله‌ی سوم همگی در جامعة المصطفیٰ جهانی ادغام شدند. امروز این دانشگاه یک حرکت عظیم جهانی است. همه اینها از عمق افکار بلند حضرت آقا و آن دید جهانی و وسیع ایشان ناشی می‌شود.

اولین خاطره بنده همین خاطره‌ی برنامه‌ریزی حضرت آقا برای فعالیت‌های فرهنگی است که نشان‌گر آن بود ما اصلاً ذهنمان به این جور مسائل نمی‌رسید و آن دید وسیع رهبری را نشان می‌داد. این مسائلی که گفتم هر کدام شاخه‌ها و توابع خود را به همراه داشت. در هر بابی یک حرکتی را به خود اختصاص می‌داد. احزاب گوناگون شیعی، مراکز فرهنگی آنها، قدرت‌هایشان، اقتصاددان‌هایشان، همه و همه نیازمند هماهنگی‌های بسیاری بود تا بتوان مشکلات مربوط به هر کدام را حل کرد. در یک جمله تکفل شیعیان جهان. این کاری بود که حضرت آقا انجام می‌داد.

(۱) منظور صدور فتوای معروف شیخ شلتوت مبنی بر جواز عمل بر اساس مذهب شیعه و زیدیه است.

